

بسمه تعالی

یکی دو و یکی دمان پندو یک وصل و یکی بجران پندو

من از دمان دو وصل و بجران پندم آنچه را جانان پندو

این لطف خدا بود که به این ملت دل و جرأت و عشق به شهادت داد و این‌ها توانستند مثل کوه استواری در مقابل دشمن مقاومت کنند. «مقام معظم رهبری»



به یاد سردار رشید اسلام اولین فرمانده گروه توپخانه ۱۵ خرداد شهید حسن غازی

زندگی‌نامه:

حسن غازی در سال ۱۳۳۸ در خانواده‌ای مذهبی در شهر شهید پرور اصفهان متولد شد. تحصیلات ابتدایی را تا دیپلم با موفقیت کامل سپری کرد. آغاز دوران دبیرستان را شروع فعالیت‌های سیاسی خود قرار داد و با شروع انقلاب اسلامی به صورت چشمگیر در جهت فرو پاشی رژیم طاغوت شاهنشاهی تلاش می‌کرد و در این راستا با پخش پیام‌ها و اعلامیه‌ها و تصاویر حضرت امام خمینی (ره) بارها جان خود را به خطر انداخت.

در سن ۱۶ سالگی به عنوان کاپیتان تیم فوتبال جوانان سپاهان بسیار خوش درخشید و در مسابقات قهرمانی کشور هم در منتخب اصفهان به عنوان ورزشکاری متدین، خوش فکر، خوش اخلاق، مستعد و با خلوص مطرح گردید که با شرایط فنی و تکنیکی بالایی که داشت در مسابقات قهرمانی آسیا به تیم ملی جوانان کشور دعوت شد. ایشان صرفاً «برای اعتلای روح و جسمشان ورزش



می کردند و در میادین ورزشی که دوستان زیادی پیدا کرده بودند به صورت مخفیانه جلسه می گذاشتند تا بر علیه رژیم طاغوتی مبارزه کنند. ایشان بسیار سعی داشت روح فرهنگ اسلامی را در جامعه ورزشی

حاکم کند. او با پیروزی انقلاب اسلامی و شروع تحرکات ضد انقلاب در غرب کشور پس از طی یک دوره امداد پزشکی در بیمارستان دکتر شریعتی اصفهان بی درنگ برای ستیز با گروه‌های منحرف ضد انقلاب و التیام زخم‌های رزمندگان اسلام و مردم ستم‌دیده و محروم کردستان عزم آن دیار نموده و تمام تلاش خویش را در راه کمک به آنان در طبق اخلاص می گذارد.

با شروع جنگ تحمیلی شهید غازی عزم نبرد با متجاوزان بعثی را نمود و از منازل پست مادی به بام‌های معنویت میدان جهاد هجرت نمود و خود را در صف کاروانیانی قرار داد که چهره‌های نورانی آنان در هر گوشه بچشم می خورد. او در ابتدا مسئولیت یکی از آتشبارهای توپخانه را عهده‌دار شد لذا لیاقت و کاردانی ایشان باعث شد تا به عنوان فرمانده گردان توپخانه خدمات شایانی را به جنگ بنماید.

غازی که از ابتدای جنگ با مسئولیت‌های مختلف وارد عرصه‌های نبرد شده بود در بسیاری از عملیات‌ها در غرب و جنوب شرکت داشت و بی‌مهابا به دشمن می‌تاخت و هرگز ضعف و ناتوانی از خود نشان نمی‌داد. لذا فرماندهی محترم کل سپاه مسئولیت اولین گروه توپخانه را به ایشان واگذار نمود و بعد از مدتی یگان‌های مستقل توپخانه در سپاه با همفکری ایشان به وجود آمدند.



از راست به چپ شهید حسن غازی - سردار سید حبیب الله اعتصامی و شهید مهدی، مظاهد،

سرانجام در عملیات خیبر (۶۲/۱۲/۱۱) که برای شلیک موشک به همراه سردار شهید حسن تهرانی مقدم، سردار سید حبیب الله اعتصامی و سردار محمد آقایی به خط مقدم طلائی‌ه رفته بودند، در محاصره دشمن بعضی قرار می‌گیرند. شهید غازی و سردار اعتصامی همپای بسیجیان عاشق ساعت‌ها جنگیدند و نهایتاً حسن غازی هدف تیر مستقیم تانک دشمن قرار گرفته و به سوی لقاء ... شتافت و سردار اعتصامی به درجه جانبازی (بالای ۷۰٪) مفتخر گردید، سردار مقدم و سردار آقایی به لطف حضرت حق توانستند سالم به عقب برگردند.

خصوصیات اخلاقی شهید حسن غازی از زبان سردار شهید حسن تهرانی مقدم



شهید غازی که اصلاً ما مسخ ایشان بودیم در اخلاق، در قدرت فرماندهی، در اخلاق محمدی، در آن سجایا با کرامت‌های بالای انسانی یک گنج مخفی بود ایشان، ذری بودند که در

روی زمین می‌درخشیدند و زمین برایشان خیلی کوچک بود. ما در جنگ با شهید غازی تا لحظات آخر با هم بودیم که ما بی لیاقت بودیم در واقع برگشت داده شدیم.



خاطره از مادر شهید غازی برگرفته از کتاب شقایق

عاشق، زینب عطایی

خودم یادم هست که پنجشنبه اول ماه محرم بود. غسل اول ماه کرده بودم و مشکی هم پوشیده بودم اذان می‌گفتند، عدل ظهر به دنیا آمد از جایی صدای یا حجت ابن الحسن (عج) می‌آمد اشک آمد توی چشمهایم به خودم گفتم آیا این چی می‌شود در راه خدا که این وقت به دنیا آمد؟ این روحانی می‌شود؟ عالم می‌شود؟ اسمش را گذاشتیم حسن.

خاطره از علیرضا مستحفظیان



قبل از انقلاب تو بازی‌های جوانان کشور با تیم منتخب جوانان اصفهان با مربیگری آقای حسن آقاجان و سرپرستی احمد یزدخواستی رفتیم به بندر پهلوی (انزلی

فعلی)، حسن شب‌ها ساعت ۱ و ۲ که می‌شد می‌رفت لب دریا روی ماسه‌ها می‌نوشت مرگ بر شاه، فهمیده بودندند کار بچه‌های اصفهان است ولی نمی‌دانستند کار کیه، گفتم حسن آقا هممون گیر می‌افتیم گفت نترس من وظیفه‌ام را انجام می‌دهم.

خاطره از احمد رضا مهنام برگرفته از کتاب شقایق عاشق، زینب عطایی

وقتی می‌خواست برود جبهه انتخاب‌های بسیاری سر راهش بود. دانشگاه اصفهان داروسازی قبول شده بود، کاپیتان تیم جوانان سپاهان بود و در تیم منتخب جوانان اصفهان هم بازی می‌کرد و به تیم ملی جوانان با مربیگری محمود یآوری



هم دعوت شده بود. ما هم در آن برهه مخالفش بودیم و می‌گفتیم: حسن برو دانشگاه، تمرینات را هم شرکت کن کسانی دیگر هستند بروند جبهه، می‌گفت اون کسان دیگر

ما هستیم و واجب‌تر از همه جبهه است، من باید بروم و رفت

خاطره از سید محمد میرضیان

حسن فردی بسیار مهربان، خوش برخورد، نترس و متعهد بود. روز قبل از شهادت، چهره نورانی و برافروخته‌ای داشت، با روزهای دیگر بکلی متفاوت بود، گویا می‌دانست دعوت شده است. پس از خوردن ناهار به اتفاق رفتیم به یکی از گردان‌ها سر بزنییم، با تک تک نیروهای آتشبار حال و احوال کرد. بین نیروهای



بسیجی آتشبار یک نفر آرایشگر بود، حسن از او خواست که موهایش را کوتاه کند.

به قدری بسیجی‌ها حسن را دوست داشتند که به محض دیدن او دورش

حلقه می‌زدند و به این راحتی ول کن او نبودند. پس از کوتاه کردن موهایش در همان آتشبار دوش گرفت و برای اولین بار لباس فرم سپاه پوشید. از آتشبار که بر می‌گشتیم، به شدت نگران بودم و احساس می‌کردم آخرین لحظه‌هایی است که در کنار حسن هستم. خواست حضرت حق جل جلاله بود که حسن فردای آن روز به یاران شهیدش به پیوندد.

خاطره از آزاده تقی حکیم آذری



در اسارت بودم که فهمیدم حسن آقا مفقودالاثرا شده ناراحت بودم؛ یکی از شب‌ها در اسارت خواب شهید خرازی را دیدم و با او درد و دل می‌کردم و شهید خرازی با یک آرامش خاصی صحبت‌های من را

گوش می‌کرد و جواب می‌داد که ناگاه من سراغ شهید غازی را از ایشان گرفتم و گفتم شهید غازی از شهدای مظلوم بود از ایشان خبر نداری که ناگاه شهید خرازی اشاره به مکانی نمود و گفت این هم شهید غازی، فضایی سر سبز و زیبایی بود که نمی‌توانم بازگو کنم ولی به ذهنم رسید که اینجا بهشت است با همان لباس مرتب و انکار شده. شادی روحش صلوات

فرازی بر وصیت نامه سردار جاوید الاثر شهید حسن غازی

عیب دیگران را دیدن ولی عیوب خود را ندیدن نشانه کوردلی است نه بصیرت و تیز هوشی. وقتی که خودمان را باز جویی کنیم و از نقاط مثبت و منفی خود آگاه باشیم، هم قدمی در جهت خود شناسی برداشته‌ایم وهم بهتر می‌توانیم در جهت رشد و کمال و تعالی خدا گونه شدن خود حرکت کنیم. باید چگونه مرد تا جاودانه زیست؟ اگر کبر خود خواهی و خود محوری که در شعاعش هر چه غیره خداست جمع می‌شود و تو را دچار استکبار و غرور می‌کند تا نتوانی در برابر حق

سر تسلیم و طاعت فرود آری و نفس رضا نمی‌دهد که عدالت را آنجا که به زبان توست بپذیری درونی آلوده داری.

روزها فکر من اینست و همه شب سختم که چرا غافل از احوال دل خویشتم
از کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود به کجا می‌روم آخر نمایی وطنم
امام کاظم (ع) می‌فرمایند: «کسی که هر روز به محاسبه خود نپردازد تا خوبی‌ها را بیفزاید و از بدی‌ها توبه و استغفار کند، از ما نیست».

(کل نفس بما کسبت رهینه) (هر نفس مرهون آن چیزی است که اکتساب کرده).
آنچه می‌تواند ما را از مرگ و ترک دنیا بترساند خرابی خانه آخرت ماست و برای آمادگی و رفتن، شوق دیدار آن سرای جاویدان لازم است و گرنه اگر بناست از عمل صالح خالی باشد پای رفتنت نخواهد بود و شوق پرواز در آن دیار را نخواهی داشت.

دست نوشته شهید غازی دو روز قبل از شهادت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
از تمام درویش‌ها بزرگوارم بخواطرف خدمت که در رابطه با من انجام
دارد. ان شاء الله و اگر روزی در زندان شرف و توبه
با منسد و توانید از راه دهنده و بوییده آری تا من
سوره اشعرا تقداب لبغه و با منسد در پیای من هم که کلمه
آن توانستم همیشه حدود را فرود و قضا دارم امیدوارم
مرام در این امر را بکنند و تا ابرام بپسند
خداوند منصور و نعت دهنده هستی با من
خداوند را بپسند
حسن غازی
از همه می‌امید حضرت بقیه ا...

به امید ظهور حضرت بقیه ا... (عج) حسن غازی اصفهانی



تهیه کننده: هیئت رزمندگان گروه موشکی ۱۵ خرداد با همکاری معاونت ورزشی سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان و سازمان بسیج ورزشکاران اصفهان